



واژه‌های ویژه صید و صیادی و انواع ماهیان در گویش بلوچی نواحی ساحلی مکران

عبدالغفور جهان‌دیده (عضو هیئت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار)

۱. مقدمه

۱.۱. جغرافیا

مَکْران^۱ سرزمینی است واقع در ضلع جنوب شرقی فلات ایران که مرزهای آن از حدود سِند در پاکستان تا کرمان امتداد دارد، این سرزمین در ایران شامل نواحی مرکزی و جنوبی بلوچستان و غرب استان هرمزگان است، دریایی که در بخش جنوبی این ناحیه قرار دارد در نقشه‌های جغرافیایی به نام دریای عمان و به اعتبار هم‌جواری با این ناحیه، دریای مکران نیز نامیده می‌شود.

بخش بزرگی از مردم مکران در نواحی ساحلی، به کار صید و تجارت ماهی می‌پردازند، مردم بومی این سرزمین شغل ماهیگیری را از پدران و نیاکان خود به ارث برده‌اند، به‌گونه‌ای که در گذشته، تقریباً، زندگی همهٔ مردمان بومی شهرهای ساحلی

۱) واژه «مکران» دارای چند تلفظ متفاوت است، بومیان منطقه آن را /makkorān/ تلفظ می‌کنند، و در متون فارسی با صورت‌های

تلفظی /mokrān/، /makrān/ و /makorān/ آمده است.

مکران با دریا و ماهی مرتبط بود و ماهی و دریا نقش بسیار بزرگی را در اقتصاد و تغذیه و زندگی آنان ایفا می‌کرد.

ارتباط تنگاتنگ ماهی با زندگی مردم مکران سبب شده که حتی برخی این منطقه را سرزمین ماهی‌خوران بنامند و یونانیان از آن با عنوان ایکتیوفاجی^۱ «ماهی‌خوران» یاد کنند. با توجه به نقشی که دریا و ماهی در زندگی روزمره مردم مکران داشته و دارد، طبیعی است که واژه‌ها و اصطلاحات گوناگون و زیادی در این رابطه به‌کار گرفته شود. این پژوهش در واقع گردآوری لغات و اصطلاحاتی است که درباره ماهی، صید ماهی و انواع ماهیان به گویش مکرانی بلوچی است. همچنین در این پژوهش به ذکر معنی و معادل فارسی و توضیح مختصر ادوات صید و صیادی پرداخته‌ایم، به‌دلیل محدود بودن صفحات مقاله، از توضیحات بیشتر و از ذکر موجودات و وسایل دریایی دیگر صرف نظر کرده‌ایم.

۲.۱. زبان مردم مکران

بومیان مردم مکران به بلوچی و گویش مکرانی سخن می‌گویند، این گویش از میان گویش‌های بلوچی، رایج‌ترین است و به نوعی معیار به‌شمار می‌آید و خود دارای لهجه‌های گوناگونی است، مردم چابهار و کُنارک، به گویش مکرانی ساحلی تکلم می‌کنند، حوزه تکلم این گویش برخی از مناطق ساحلی مکران شرقی در بلوچستان پاکستان را نیز در برمی‌گیرد.

۳.۱. محدوده پژوهش

این پژوهش میدانی در شهرستان‌های ساحلی چابهار و کُنارک صورت گرفته، اما لغات و اصطلاحات آن، تقریباً، مشابه یا نزدیک به واژه‌های شهرهای ساحلی مکران شرقی در پاکستان است.

(۱) سایکس در سفرنامه خود می‌نویسد: «در ایام اسکندر کبیر، مکران را به واسطه قرب جوار دریا، ایکتیوفاجی یا ماهی‌خوران و ناحیه

مشرف به داخله کشور را گذروسیا می‌نامیدند» (سایکس ۱۳۶۳: ۱۲۴).

۴.۱. شیوه پژوهش

نگارنده که خود بلوچ‌زبان و ساکن شهر چابهار است به شیوه پژوهش میدانی عمل کرده است، بدین ترتیب که ابتدا لغات و اصطلاحات را از ناخدایان و دریانوردان باتجربه بومی یکی یکی پرسیده و یادداشت کرده و در ضمن بیشتر اشیاء و وسایل مربوط به صید و صیادی و ماهیان مورد نظر را نیز بعینه دیده و پس از یادداشت برداری برای نوشتن معادل فارسی ماهیان، به چند کتاب مرجع درباره ماهیان مراجعه کرده است. نام این آثار در فهرست منابع آمده است. البته نام و مشخصات و شکل برخی از ماهیان در کتاب‌های مورد مطالعه نبود و در این مقاله برای آنها معادل فارسی ذکر نشده و به جای آن شکل و وزن ظاهری آنها را نوشته‌ایم.

نگارنده در پژوهش واژه‌ها و اصطلاحات، در محدوده پژوهشی خود، به گوناگونی تلفظ آنها نیز نظر داشته و سعی کرده که همه تلفظ‌ها را ذکر کند، و نیز در مواردی که یک شیء یا ماهی در هر روستا و شهری نام ویژه خود را داشته، کوشیده که همه آنها را ثبت کند.

۵.۱. وجه تسمیه نام‌های ماهیان و اصطلاحات صید و صیادی

بیشتر واژه‌های مربوط به صید و صیادی و نام‌های ماهیان در مناطق ساحلی مکران، ایرانی و بلوچی است و واژگان بیگانه کمتر توانسته در آنها نفوذ کند، همچنین بسیاری از آنها تلفظ کهن خود را حفظ کرده‌اند.

بسیاری از نام‌های ماهیان برگرفته از نام حیوانات خشکی است، مانند گور /gōr/ «گورخر»، هر /har/ «خر»، کاتل /kātel/ «قاطر»، گُرک /gork/ «گرگ»، پِشک /peššek/ «گره»، پُگل /pogol/ «قورباغه»، مُشکو /moškū/ «موش»، کروس /krōs/ «خروس»، هلور /halōr/ «عقاب»، کُچک /kočak/ «سگ»، آسپ /asp/ «اسب»، هُشتر /hošter/ «شتر»، سارم /sārm/ «سار»، مدگ /madag/ «ملخ» و ...

نام برخی دیگر از ماهیان برگرفته از رنگ آنهاست، مانند: سُهرو /sohrū/ «سرخ»، سیاه‌گوش /syāh-gōš/ «سیاه‌گوش»، زرددُمب /zard-domb/ «زرددُم».

نام برخی از ماهیان برگرفته از شکل ظاهری آنان است که شبیه اشیاء دیگر هستند. مانند: چراگ /čerāg/ «چراغ»، این ماهی در آب مانند چراغ می‌درخشد، سواس /sawās/ سواس نوعی کفش محلی و پهن است که از ایاف نخل وحشی می‌بافند، گوک‌دُمب /gōk-domb/ «دُم گاو»، داردُمب /dār-domb/ «دُم چوبی»، لُنتی /lonṭ-i/ «دارای لب بزرگ»، بانزُلُی /bānzoli/ «بال‌دار، دارای باله‌های بزرگ»، کُمپو /kompū/ «گوژپشت» نام‌های بعضی از آنها اسطوره‌ای و افسانه‌ای هستند، مانند: سلیمانی /solaymāni/ می‌گویند که این ماهی انگشتر حضرت سلیمان را بلعیده است، پری /pari/ «پری؛ فرشته».

۶.۱. راهنمای تلفظ واژه‌ها

واژه‌های بلوچی به دو خط فارسی و آوانگاری نوشته شده‌اند، اما در بلوچی شش واج وجود دارد که در فارسی امروز، معادلی ندارند؛ بنابراین، این واج‌ها در خط فارسی نمایان نیستند. این واج‌ها عبارتند از: سه واج برگشته که ما برای آنها سه علامت از رسم‌الخط آوانگاری را برگزیده‌ایم و سه واج دیگر که در فارسی متقدم وجود داشته و امروزه در فارسی نو وجود ندارند. ۱) واج برگشته، لثوی و بی‌واک ت /t/ که تلفظ آن با واج /t/ تفاوت دارد؛ ۲) واج برگشته، لثوی واکدار د /d/ که تلفظ آن با واج /d/ تفاوت است؛ ۳) واج برگشته، کامی بی‌واک /t̪/ که تلفظ آن با واج /t/ فرق می‌کند؛ ۴) واو مجهول /ō/؛ ۵) یای مجهول /ē/؛ ۶) واج دولبی /w/.

۲. واژه‌های عام مربوط به ماهیان و صید ماهی

بَشکال /beškāl/ صاف بودن آب دریا را می‌گویند. در این هنگام ماهی به‌آسانی تور یا قلاب را می‌بیند و می‌گریزد.

بَکّار /bakkār/ انبار ادوات صید و صیادی در خشکی.

بوجیگ /bōjig/ لنج.

پَشک /pešek/ کوسه‌ماهی

توشوک /tušök/ دُلغین.

تیاب /tayāb/: ساحل

تیابی ماهیگ /tayābi-māhig/: ماهی‌ای که در آب‌های ساحلی و کم‌عمق زندگی می‌کند.

جانشو /jānšū/: جاشو.

ریچگ /rēčag/: ریختن، اصطلاحاً انداختن تور در دریا برای صید ماهی.

زر /zer/: دریا به‌ویژه قسمت عمیق آن.

زری ماهیگ /zeri-māhig/: ماهی‌ای که در آب‌های عمیق دریا و دور از ساحل زندگی می‌کند.

سماچ /sammāč/: نوعی لنج ویژه صید ماهی.

کرکته /kerkaṭa/: شاه‌میگو.

کند /kaṇd/: جایگاه نگهداری تور در لنج یا قایق که در سه بخش از آن قرار دارد:

گورکند /gwar-kaṇd/ در بخش جلو، توک‌کند /tōk-kaṇd/ در وسط و دیم‌کند /dim-

kaṇd/ در عقب شناور.

کندیک /koṇdig/: قلاب.

کوهی ماهیگ /kōhi-māhig/: ماهی‌ای که در سواحل صخره‌ای زندگی می‌کند.

گالیت /gālēt/: نوعی لنج صیادی.

گلر /gollof/: بچه کوسه.

گوکین /gōkēn/: نوعی ذلفین که صدایی شبیه صدای گاو دارد، می‌گویند می‌تواند روی

آب بایستد.

لانچ /lāṇč/: لنج.

ماهوری /māhōri/: صیدی که با تور صید کرده‌اند.

ماهیگ /māhig/: ماهی.

ماهیگ‌چک /māhig-čokk/: بچه‌ماهی.

ماهیگ‌کش /māhig-koš/: قایق یا لنج مخصوص صید ماهی.

ماهیگ‌کشگ /māhig-košag/: صید ماهی.

مید /mēd/: ماهیگیر.

نَنگَر /naŋgar/: لنگر.

نَهِیگ /nahig/: گُندیگ.

هشاش /hašāš/: نوعی قایق صیادی ساحلی که در قدیم از شاخه‌های بلند نخل درست می‌کردند.

یَک‌دَار /yaktār/: قایق.

۳. روش‌های صید ماهی

آرَنگَه /ārēnga/ (۱) تعداد زیاد ماهی که در یک جا از آب دریا باشند، گَلَه ماهی؛ (۲) صید ماهی به صورت گله‌ای.

بَرَام /barām/: گونه‌ای از صید با قلاب؛ در این شیوه نخ قلاب را بر پشت قایق می‌بندند و قایق را به سرعت می‌رانند، طعمه‌ای مصنوعی از جنس پلاستیک یا پارچه، به شکل ماهی درست می‌کنند و بر قلاب می‌بندند. این نوع صید بیشتر برای صید ماهی‌هایی مانند شیر و هوور به کار می‌رود.

پَاذکِی‌رِیک /pādoki-rék/: در این گونه صید، صیاد بدون استفاده از قایق، از ساحل به درون آب رفته و تور را انداخته و در دو نوبت صبح و بعدازظهر به آن سر می‌زدند.

پَنجِرَو /peñjeraw/: نوعی قفس یا تله برای شکار ماهی که در آب می‌گذارند، گرگور.
تَنَدکُنْدی /tañd-koñdi/: گونه‌ای از صید با قلاب؛ در این شیوه بر یک نخ چند قلاب می‌بندند و آن را در آب می‌اندازند و بر جایگاه آن علامتی می‌گذارند، اینگونه صید زمان‌بر است.

چِرَآپ /čērāp/: در این شیوه تورهای ماهیگیری در زیر آب قرار می‌گیرند.

چِرِدَان /čirdān/: ماهیگیری با قلاب.

چِرِدَانِی /čirdāni/: صیدی که با قلاب صید شده است.

دَرَنگی‌چِرِدَان /drañgi-čirdān/: صید ماهی با قلاب از بالای صخره‌های ساحل که بیشتر جنبه تفریحی دارد.

رُگ/rog/: نوعی از صید که تور ماهیگیری را در آب می‌اندازند و تور را به قایق وصل می‌کنند و تور و قایق تا صبح در دریاست.

سَرآپ /sar-āp/: در این روش کناره بالایی تورهای ماهیگیری بر روی آب قرار می‌گیرد. شپریچ /šap-rēč/: روشی از صید که تورهای ماهیگیری را در هنگام شب در آب می‌اندازند.

کپس /kapas/: ← پنجرُو.

گِرّ /gerr/: در این نوع صید، تور را به عقب کشتی می‌بندند و آن را با نیروی کشتی می‌کشند تا هرچه در مسیر باشد صید کند، صید ترال.

گُورچیرآپ /gwar-čērāp/: در این روش صید که تلفیقی از چیرآپ و سرآپ است، تور نه در پایین آب و نه کاملاً بالای آن قرار دارد.

لانچی /lānči/: صیدی که با لنج و دام انجام می‌گیرد.

واد /wād/: در این روش گله ماهی را محاصره می‌کنند و تور را دورتادور آن می‌اندازند.

۴. دوره‌های صید ماهی در طول یک سال

ایرات / ایرهت /ērāt/ ēraht/: آغاز صید ماهی، پس از تعطیلی صید به علت توفان‌های شدید دریایی، که معمولاً در شهریور شروع می‌شود و تا سه ماه ادامه دارد.

سَمآکی /sammāki/: این دوره در مهرماه قرار دارد.

زِمستان /zemestān/: دوره دوم صید که پس از ایرات است و در پاییز قرار دارد.

هَنگام /hangām/: ← زِمستان.

سَپیان /saypān/: دوره سوم صید که در اواخر زمستان آغاز و تا سه ماه ادامه دارد.

گُوانک /gwānk/: دوره چهارم صید که یک ماه است و پس از سپیان قرار دارد.

کِرکُش /ker-koš/: موسم شکار میسر ماهی که برابر با گوانک است.

اَکِر /āker/: دوره‌ای که ۴۰ روز تا دوماه است؛ در این هنگام دریا توفانی است و

ماهیگیران به جاهای دور از ساحل نمی‌روند و عملاً صیدی انجام نمی‌گیرد، این

دوره، تیرماه و نیمه اول مرداد را شامل می‌شود.

۵. انواع تور ماهیگیری

- اگوری /agōri/: با این تور ماهی هوور شکار می‌کنند.
- پاڈکی /pādoki/: نوعی تور با چشمه‌های ریز؛ آن را در ساحل و بدون استفاده از قایق به آب می‌اندازند.
- پارو /pārū/: نوعی تور ریزچشم که هر نوع ماهی را با آن صید می‌کنند.
- چیراپی /čērāpi/: توری که هنگام صید در زیر آب قرار می‌گیرد.
- دربند /dar-baṅd/: توری است ویژه شکار ماهی‌هایی مانند شیرماهی؛ چشمه‌های این تور نسبت به تور پاڈکی بزرگ‌تر است.
- رچ /rač/: نوعی تور ماهیگیری با نخ‌های باریک و چشمه‌های کوچک که با آن ماهی گد شکار می‌کنند.
- رگ /rog/: توری گرد که با انداختن آن در آب از هم باز می‌شود.
- ریک /rēk/: تور ماهیگیری.
- سراپی /sarāpi/: توری که هنگام صید کناره بالایی آن بر روی آب قرار می‌گیرد.
- شَپریچی /šap-reči/: توری که یک سر آن به قایق وصل است و تور و قایق از اول شب تا صبح در دریا شناور هستند.
- کارو /kāraw/: تور مخصوص صید ماهی به صورت محاصره‌ای.
- کری /keri/: این تور ویژه شکار میش ماهی است.
- گوانکی /gwan̄ki/: تور ویژه شکار میش ماهی که چشمه‌های بزرگی دارد.
- گورچیراپ /gwar-čērāp/: نوعی تور زیرآبی که با طنابی به شناور می‌بندند.
- لندوری /laṅdōri/: نوعی تور که بند یا طنابی که شناورها به آن وصل هستند تا یک متر از بدنه اصلی تور فاصله دارد و این سبب می‌شود تا تور در آب به اندازه یک متر پایین‌تر قرار گیرد.
- ماهور /māhōr/: تور ماهیگیری.
- مُشکویی /moškōi/: با این تور ماهی شوریده شکار می‌کنند.
- هرسی /harsi/: نوعی تور ماهیگیری با چشمه‌های بزرگ که ویژه صید کوسه است.

۶. اجزای تور

ایتار /ēṭār/: ← پیلم.

بلّ /bell/: ← ولّ.

بویر /bōbar/: شناوه که در فاصله‌های مشخص بر کناره بالایی تور وصل است و تور را از فرورفتن در آب نگه می‌دارد. شناوه امروزه از جنس کائوچو است اما در گذشته از چوب یا الیاف گیاهان بود.

بوچّ /būčč/: شناوه کائوچویی.

بوچ‌بند /būč-baṅd/: طنابی که شناوه کائوچویی را به تور لندوری وصل می‌کند.

پاد /pād/: طناب کناره پایینی تور.

پیلم /pēlom/: طناب کناره بالایی تور.

چمگ /čammag/: سوراخ‌ها و چشمه‌های تور.

دپ‌دانک /dap-dāṅk/: ← سربیک‌ننگر.

دپ‌ننگر /dap-naṅgar/: ← سربیک‌ننگر.

رابز /rābz/: طنابی که لنگر و تور را به یکدیگر وصل می‌کند.

رامتو /rāmṭō/: ← رانتو.

رانتو /rāṅṭō/: علامت و نشان تور در دریا که پرچمی کوچک یا چیزی مانند آن است.

ساجرم /sāčerm/: نخ‌ی که برای ترمیم تور پاره‌شده از آن استفاده می‌کنند.

ساجگ /sāčag/: تعمیر کردن تور پاره‌شده.

سربیک‌ننگر /serik-naṅgar/: گوشه لنگر تور.

کلمپوگ /kalampōg/: ته شاخه درخت خرما که خشک شده آن سبک است و در گذشته به جای شناوه از آن استفاده می‌کردند.

کنال /kannāl/: وزنه‌ای که به کناره پایینی تور وصل است و تور را در پایین آب نگه می‌دارد، این وزنه می‌تواند از سرب، سنگ یا بُتن باشد.

کنال‌بند /kannāl-baṅd/: طنابی که کنال را به تور وصل کند.

کوسج /kōsēc/: کدو، در گذشته از کدوی خشک به‌جای شناوه استفاده می‌کردند.

مَثار /mattār/: ← پاد.

نَنگَر /naŋgar/: لنگر تور ماهیگیری که آن را نگه می‌دارد، برخی از تورها یک یا چندین

عدد از این لنگرها دارند.

ولّ /wall/: وسط تور که بین پاد و پیلم است.

۷. تور رُگ و اجزای آن

بارّا /bārrā/: طناب‌هایی که مهار حلقه رُگ را به پاد وصل می‌کنند و به‌وسیله آنها تور را

جمع یا باز می‌کنند.

پاد /pād/: طنابی که به پایین رُگ وصل است و در فاصله چند سانتی آن قطعه‌های

کوچک سُرّبی تعبیه شده‌اند.

رُگ /rog/: توری گرد که با انداختن آن در آب از هم باز می‌شود و بر چند نوع است: (۱)

هَسْت /hast/: توری با چشمه‌های کوچک و ریز؛ (۲) گُشاد /gošād/: چشمه‌های این تور

گُشادتر است؛ (۳) لوجری /lūjjari/: با این تور ماهی ساردین شکار می‌کنند؛ (۴)

بی‌پُت /bē-pot/: با این تور ماهیان کوچک و ریز را جهت طعمه شکار می‌کنند.

رُگ پیچ /rog-pēc/: با مهارت پیچیدن و جمع کردن تور رُگ.

گَرَو /garaw/: حلقه چوبی بالای تور.

گوارِگ /gwāzag/: انداختن ماهرانه تور رُگ در آب به‌گونه‌ای که از هرسو کاملاً باز شود.

مَهار /mahār/: طنابی که به حلقه چوبی بالای رُگ وصل است.

۸. اندام‌های ماهی

بال /bāl/: باله.

بانزُل /bānzol/: باله.

پُچک /počak/: ← کوچگ.

پُچل /počal/: ← کوچگ.

پَرِیچک /parričk/: باله.

پوتو /pūtū/: کیسه‌شنای برخی از ماهیان دریایی، به‌ویژه میش‌ماهی.

پوتویگ /pūtūwig/: ← پوتو.

توپو /tūpū/: ← پوتو.

دَب /dap/: دهان.

دل‌چیر /del-čēr/: ← دل‌گور.

دل‌گور /del-gwar/: جلوی سینه‌ماهی.

دُمب /domb/: دُم؛ باله پُشتی.

روت /rōt/: روده.

ریشگ /rišg/: پرزهای آبشش‌ماهی.

زهرگ /zahrag/: زهره، کیسه‌صفر.

زیهار /zihār/: یک یا دو خاری که در قسمت جلوی باله پُشتی برخی از ماهی‌ها وجود دارد.

کَلَب /kalap/: بخش استخوانی گلو یا آبشش‌ماهی که با کمی گوشت همراه است.

کِنَت /kent/: یک یا دو خار پایین شکم برخی از ماهیان.

کُنَتک /koŋtak/: خار‌ماهی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کوچگ /kōčeg/: پولک، فلس.

گُجی /gojji/: معده‌ماهی. رتال جامع علوم انسانی

گَل /gall/: آبشش و گلوی‌ماهی.

گوش /gōš/: باله.

لاپ /lap/: شکم.

لاپ‌گوش /lap-gōšt/: گوشتی که درون شکم میش‌ماهی وجود دارد و آن را پس از درآوردن کیسه‌شنا برمی‌دارند.

میدگُش /mēd-koš/: استخوانی شبیه به قلاب که در پشت سر میش‌ماهی قرار دارد.

میری /miri/: گوشت پشت‌ماهی که چسبیده به باله‌های بالایی است.

نیام‌هَدَ /nyām-hadd/: استخوان وسط بدن ماهی، ستون فقرات.
هَیک /hayk/: تُنخم ماهی.

۹. انواع و اجزای قُلاب

چیردان /čirdān/: نخ قُلاب ماهیگیری.

رَدَه /redda/: قلابی که دُمش حلقه‌ای و سوراخ نیست.

کُنَدی /koṇḍi/: ← کُنَدیگ.

کُنَدیگ /koṇḍig/: قُلاب ماهیگیری.

کُنَدیگِ دُمب /koṇḍig-e domb/: دُم قلاب، جایی که نخ را بر آن گره می‌زنند.

کُنَدیگِ ریشگ /koṇḍig-e riššag/: ریشه قُلاب، یعنی نوک تیز قلاب که کمی خمیده است.

کُنَدیگِ کول‌دُمب /koṇḍig kōl-domb/: قلابی که دُمش پهن است ولی حلقه نیست.

کُنَدیگِ گِرددُمب /koṇḍig gerd-domb/: قلابی که دُمش حلقه‌شکل است.

۱۰. طُعمه و انواع آن

طعمه مورد استفاده برای صید ماهی می‌تواند از انواع مواد خوراکی باشد، اما طعمه‌های

اصلی را ماهیان کوچک و برخی از آبزیان تشکیل می‌دهند.

بِلاچَو /balāčaw/: تکه‌های ریز ماهی که به جای طعمه به قلاب می‌بندند.

بِیچَم /bičam/: ماهی کوچکی شبیه به ساردین.

پَدَنی /paḍḍani/: ماهی کوچک سفیدرنگی شبیه به کندگاری، ولی با اندازه‌ای بزرگ‌تر.

پَلَه /pala/: ماهی کوچکی شبیه به ساردین ولی کوچک‌تر از آن.

تَگَس /tagas/: خرچنگ.

جَنوزام /janōzām/: ماهی کوچک پهنی به اندازه کف دست که باله‌های سیاهی دارد، اما

باله پستی آن زردرنگ است و همواره تنها می‌گردد.

چَراگ /čerāg/: چغوک.

چَمک /čamak/: قطعه‌فلز کوچکی که درخشان است و به جای طعمه به قلاب می‌بندند.

دَرَنزُک /draɳzok/: نوعی ماهی ریز دریایی.

سانا /sānā/: نوعی ماهی ریز.

سیرکو /sirkū/: نوعی ماهی ریز.

سیم /sim/: نوعی گیش است.

کاشا /kāšā/: نوعی ماهی کوچک که به اندازه یک انگشت است.

کلات /kelāt/: نوعی ماهی کوچک که از ساردین بزرگ‌تر و کلفت‌تر است ولی نسبت به آن خار کم‌تری دارد.

کُلّی /kolli/: نوعی خرچنگ.

کندگاری /kaɳdgāri/: این ماهی مانند پدّتی است، ولی کوچک‌تر از آن و دارای خال سیاهی است. این ماهی را با دست می‌مالند تا له و ریز شود سپس آن را در آب دریا می‌ریزند، ماهیان با احساس بوی آن در آن مکان جمع می‌گردند.

کَنگ /kaɳg/: نوعی ماهی کوچک.

کیچانِ کِرم /kačān-e kerm/: نوعی کِرم که در ماسه‌های ساحل زندگی می‌کند و طعمه‌ای مناسب برای صید با قلاب، به‌ویژه برای ماهی کیچان است.

گاچَم /gāčam/: نوعی ماهی که آن را شمسک نیز می‌گویند.

گورکش /gōr-kašš/: ماهی پدنی که با آن ماهی گور صید می‌کنند.

گیم /gēm/: طعمه قلاب ماهی.

لُوجَر /lūjjar/: ماهی ساردین.

ماسلُک /māsolok/: ← سیرکو.

مدگ /madag/: میگو.

مُربَه /morba/: ماهی کوچکی با دهانی پهن شبیه به گربه‌ماهی.

مَس /mas/: ماهی مرکب که طعمه‌ای مناسب برای قلاب است.

مئو /ma?ū/: ← مَس.

۱۱. انواع ماهی

آبرو /ābraw/ : وال.

آرنگه‌ای گلو /ārenga-i gallū/: گونه‌ای از خانواده گربه‌ماهی، گربه‌ماهی خاکی.

آسی /āsi/: گونه‌ای از گربه‌ماهی، گربه‌ماهی بزرگ.

آم /ām/: ← هام.

آمروسک /āmarūsik/: ← گالیت.

آرمنگرا /armangarā/: گونه‌ای از کوسه‌ماهی، کوسه وحشی.

آسپ /asp/: از خانواده نیزه‌ماهیان، بادبان‌ماهی.

آشتر /ošter/: از خانواده گیش‌ماهیان.

آگور /agör/: گونه‌ای هوور.

آلبک /olbok/: بچه‌زرده.

آلس /olos/: ← هُلَس.

آلور /alör/: ← آلهور.

الوندی /alwandi/: کوسه‌ماهی سفید درنده.

آلهور /alhür/: گونه‌ای منقار‌ماهی.

آهور /ahür/: ← آگور.

بارکالی /bärkäli/: نوعی کوسه.

بارکش /bärkäšš/: از خانواده زمین‌کن‌ماهیان که دو نوع است: (۱) زمین‌کن خال‌باله؛ (۲)

زمین‌کن دُم‌نواری.

بارگاهی /bärgāhi/: گونه‌ای گربه‌ماهی.

بارن /bären/: ← بهرن.

بانزولی /bänzoli/: ← سیاه‌پتر.

بانور /bänör/: از خانواده شانک‌ماهیان، شانکِ دونواری.

بُتر /bottor/: گونه‌ای کوسه‌ماهی، کوسه سرچکشی. به این کوسه، کانتی‌پشک و میش هم

می‌گویند.

بِچَن /beččen/: نوعی کوسه‌ماهی که ماهی‌های صیدشده در درون تور را می‌خورد. نام دیگر این کوسه کهناتی است.

بَدی /baḏdi/: از خانواده شوریده‌ماهیان، شبه‌شوریده چشم‌درشت.

برگ /barrag/: نوعی ماهی کولگر.

بگو /bakkū/: از خانواده گیش‌ماهیان که دو نوع است: (۱) گیش میگوی؛ (۲) گیش باله‌سیاه.

بُلندو /bolaḏdū/: اره‌ماهی. این ماهی زائده‌ای استخوانی و دنداندار به شکل شمشیر بر سر دارد که طول این زائده حدود یک متر است. ماهیگیران مکران این ماهی را نوعی کوسه می‌دانند.

بَمبِل /bambol/: نوعی کوسه است.

بندیور /bandiwar/: ← داردُمب.

بندیول /bandiwal/: ← داردُمب.

بوئن /būten/: از خانواده سپرماهیان، سپرماهی برقی ایرانی.

بها /behā/: ← مینگ.

بهرن /bahren/: نوعی وال به گفته برخی از صیادان، عنبرماهی است.

بیچَم /bičam/: نوعی ساردین، ساردین پهلوطلابی.

بیسالو /bissālaw/: از خانواده راشگوماهیان، راشگوی شش خط. گونه بزرگ این ماهی را گوانز می‌گویند.

پاگاس /pāgās/: کوسه، به ویژه کوسه ببری.

پالوار /pālwar/: از خانواده شگ‌ماهیان با دو گونه (۱) گواف رشته‌دار؛ (۲) ماهی صُبور.

پَتَر /pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان.

پَتَرآلاری /pattar-ālāri/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بال‌افشان.

پَتَرچوتالی /pattar-čōḡāli/: از خانواده گیش‌ماهیان با دو نوع (۱) گیش شکم‌شیاری؛ (۲) گیش درازباله.

پترسورو /pattar-sowrū/: از خانواده گیش ماهیان با دو گونه (۱) گیش درخشان؛ (۲) گیش خال سفید.

پترسیه بیج /pattar syah-baj/: از خانواده گیش ماهیان.

پتن /petten/: از خانواده پوماهیان، سفره ماهی.

پتن دولنت /petten do-loŋt/: از خانواده سپر ماهیان دوپوزه، سپر ماهی دوپوزه.

پتن گل پانچ /petten-golpājč/: از خانواده پوماهیان.

پتن گوک دُمب /petten gōk-domb/: از خانواده پوماهیان.

پتن مُرگُک کنتگی /petten-morgok koŋtagi/: از خانواده رامک ماهیان، رامک خالدار.

پتن مُرگُک بی کنتگ /petten-morgok bēkoŋtag/: از خانواده رامک ماهیان با دو گونه (۱) رامک منخطط؛ (۲) رامک خط کمانی.

پدنی /paḏḏani/: از خانواده موتوماهیان؛ لچه دهان نارنجی.

پراه دپ /prāh-dap/: ← شاگوری پتر.

پرو /parū/: نوعی ماهی کفشک.

پری /pari/: از خانواده کوسه ماهیان، کوسه دُم دراز.

پشک تُرک /pešsek-tork/: ← گوسو.

پشمپ /pašamp/: از خانواده خاروماهیان، ماهی خارو.

پشنت /pašajt/: ← پشمپ.

پُگل /pogol/: چند نوع است: (۱) ← تورا؛ (۲) از خانواده عقرب ماهیان، سنگ ماهی خال سیاه؛ (۳) کلیه خانواده بادکنک ماهیان، بادکنک ماهی.

پَلُو /pallū/: ← پالوار.

پَمپِگا /pampagā/: از خانواده طوطی ماهیان که چند نوع است، طوطی ماهی یشمی؛ طوطی ماهی زردپولک؛ طوطی ماهی ایرانی.

پیتو /pittō/: حلوای سفید.

تاتار /taṭar/: ← تانتار.

تاگان /tagān/: نوعی ماهی کوچک شبیه به مُرَبَه.

- تانتار /tāŋtār/: از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر چهارلکه.
- تَپِچ /təpč/: ماهی‌ای پولک‌دار و سفید که خال سیاهی بر سر دارد و در آب‌های کم‌عمق زندگی می‌کند، این ماهی کمیاب است و به‌ندرت صید می‌شود.
- تَرَنکُو /tartakū/: (۱) نوعی ماهی کوچک سفیدرنگ؛ (۲) ← گزی کباه.
- تَرگَوَج /tergwaj/: از خانواده زروک‌ماهیان، ماهی زروک. به این ماهی هر هم می‌گویند.
- تَکِ تَکُو پَئِن /tektekkō-peŋŋen/: از خانواده پوماهیان، پو پلنگی.
- تَکِی شَنگ /tekki-šong/: عروس ماهی منقوط.
- تَگَلَم /tagelm/: از خانواده گیش‌ماهیان، حلوای سیاه.
- تَمباتور /tambātūr/: ← تورا.
- تَمبران تیری /tambarāŋtiri/: ← تمبرگ.
- تَمبیرگ /tambirag/: بادکنک‌ماهی زیتونی.
- تورا /tūrā/: از خانواده خارپشت‌ماهیان، خارپشت‌ماهی لب‌منقاری.
- تولگ /tōlag/: از خانواده هامورماهیان، هامور خال‌نارنجی.
- توئْت /tūŋt/: (۱) از خانواده شوریده‌ماهیان، مُشکوی لکه‌دار؛ (۲) از خانواده عقرب‌ماهیان، گزنده‌ماهی؛ (۳) از خانواده هامورماهیان، هامور لکه‌زیتونی منقوط.
- تَیابی ساپی /tayābi-sāpi/: از خانواده صافی‌ماهیان، صافی قهوه‌ای.
- تیتک /titak/: نوعی ماهی رنگارنگ، طوطی‌ماهی.
- تینگ /tēŋg/: ماهی سیاه‌رنگی که بیشتر در ساحل با قلاب صید می‌شود و ده تا بیست سانتی‌متر طول دارد.
- جَئِی پُگ /jattipog/: از خانواده کفشک‌ماهیان، ماهی کفشک پُرلکه.
- جَروِیگ /jerrowig/: از خانواده کوسه‌ماهیان درنده، کوسه نوک‌تیز.
- جَری /jaři/: پرنده‌ماهی پولک‌درشت.
- جولام /jōlām/: نوعی ماهی سفیدرنگ، با جثه بزرگ و شبیه گِشران.
- جَهراز /jāhrāz/: از خانواده شانک‌ماهیان، صُبیتی.

چانچو /čāŋčū/: از خانواده هامورماهیان با دو گونه (۱) هامور پنج‌نوازی؛ (۲) هامور خط‌شکسته.

چتره /čatra/: از خانواده پوماهیان، نوعی سفره‌ماهی.

چراگ /čerāg/: خانواده چغوک ماهی که چند نوع است: (۱) چغوک رشته‌دار؛ (۲) چغوک پُشت‌طلایی؛ (۳) چغوک شفاف.

چرپان /čarpān/: ← لوتاری.

چگگ /čagog/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش دهان‌سفید.

چمی‌چراگ /čammi-čerāg/: از خانواده ماه‌ماهیان، ماه‌ماهی.

چندی /čēndi/: از خانواده یال‌اسبی‌ماهیان، یال‌اسبی سربزرگ.

چِیلا /čēlā/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش دروغین.

چیلانکر /čēlānker/: ← چِیلا.

داردُمب /dārdomb/: از خانواده گیش‌ماهیان، کتو.

داند /dānd/: از خانواده شانک‌ماهیان، کوپر.

دانگرا /dāngarā/: از خانواده سه‌دُم‌ماهیان، سه‌دُم‌ماهی.

دراج‌دُمب /drājdomb/: ← پری.

دِکی‌زرد /dēkki-zard/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی زردخال سیاه.

دِکی‌شنگ /dēkki-šong/: از خانواده عروس‌ماهیان عروس‌ماهی منقوط.

دُلدُل /doldol/: از خانواده تک‌خارماهیان، تک‌شاخ‌ماهی مشبک.

دولنت /do-loŋt/: ← پتن‌دولنت.

دیول /diwal/: از خانواده سنگسرماهیان، خنوی لیمویی.

راژگو /rāžgū/: ← راشکو.

راشکو /rāškū/: ← گوانز.

رنجی /raŋji/: نوعی گربه‌ماهی، گربه‌ماهی بزرگ.

روپ /rōp/: از خانواده شبه‌سوس، شبه‌سوس خال‌دار.

زرد /zard/: از خانواده سرخوماهیان با چهارگونه (۱) سرخوی معمولی؛ (۲) سرخوی چشم‌درشت؛ (۳) سرخوی پنج‌خط؛ (۴) سرخوی هشت‌خط.
 زرددمب /zard-domb/: (۱) از خانواده گیش‌ماهیان، پرو دم‌سیاه؛ (۲) از خانواده کوترمایان،
 کوتر دهان‌زرد.

زرسُهرُو /zersohrū/: ← هیرو.

زری‌سَپی /zeri-sāpi/: از خانواده صافی‌ماهیان، صافی موجدار.

زری‌لوتاری /zeri-lōtāri/: از خانواده هامورماهیان، هامور خاکی.

زنگی‌سر /zangisar/: از خانواده لب‌لوله‌ماهیان، لب‌لوله‌ماهی قهوه‌ای.

زید /zēd/: کوسه‌ای کوچک با بدنی قوی و نیرومند که پشتش مایل به خاکستری و شکمش مایل به سفید است و لکه‌ای سیاه بر بالهٔ دوم آن قرار دارد.

زیهد /zēhed/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسهٔ قلاب‌دندان.

سَپی /sāpi/: به چند نوع ماهی از خانواده‌های مختلف می‌گویند: (۱) جراح‌ماهی قهوه‌ای؛ (۲) چرم‌بله برنزی.

سارم /sārom/ /sārm/: سارم، ماهی سلیمانی.

سانگ /sāng/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی تیزدندان.

سید /sēdd/: ← کولگری.

سکن /sakan/: از خانواده شوریده‌ماهیان، مُشکوی سیاه.

سلیمانی /solaymāni/: ← سارم.

سنگلو /sangalō/: از خانواده سوکلاماهیان، سوکلا.

سواس /sawās/: (۱) از خانواده زبان‌گاوماهیان، زبان‌گاو چهارخط؛ (۲) از خانواده

کفشک‌ماهیان راست‌رُخ، کفشک‌گرد؛ (۳) از خانواده کفشک‌ماهیان راست‌رُخ،

کفشک‌ریز؛ (۴) از خانواده کفشک‌ماهیان راست‌رُخ، کفشک‌گورخری.

سواسو /sawāsū/: از خانواده زبان‌گاوماهیان، زبان‌گاو درشت‌پولک.

سوس /sūs/: از خانواده سوس‌ماهیان، سوس کوچک.

سولی /sūli/: نوعی میش‌ماهی.

- سوموتا /somōtā/: (۱) از خانواده شگ‌ماهیان، ساردین رنگین‌کمان؛ (۲) از خانواده موتوماهیان، موتوی هندی؛ (۳) از خانواده تون‌ماهیان، نوعی ماهی قباد.
- سونام /sōnām/: از خانواده گیش‌ماهیان، پرستوماهی هندی.
- سُهر /sohr/: از خانواده سرخوماهیان.
- سُهرتوسک‌سنت /sohr-tūs-k-soṅt/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی مخطط زرد.
- سُهر و /sohrū/: ← سُهر.
- سُهرین پتن /sohrēṅ-peṭten/: از خانواده پوماهیان، پُوی چهارگوش.
- سُهرین پمپگا /sohrēṅ-pampagā/: از خانواده طوطی‌ماهیان، طوطی ماهی یشمی.
- سیاه پتر /syāh-pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بال‌افشان.
- سیاه‌گوش /syāh-gōš/: نوعی گربه‌ماهی.
- سیاه‌گوش پشک /syāh-gōš-pešsek/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه باله‌سیاه.
- سیاهین نامبو /syāhēṅ-nāmbū/: از خانواده هامورماهیان، هامور منقوط قهوه‌ای.
- سیاهین هَنو /syāhēṅ-hennū/: از خانواده سنگسرهاهیان، خنوی گوش قرمز.
- سیم /sim/: از خانواده گیش‌ماهیان با دو گونه (۱) گیش چشم‌درشت؛ (۲) گیش زردخط.
- سینو /sinnaw/: از خانواده گیش‌ماهیان، سارم دهان‌بزرگ.
- شاگوری پتر /šāgōri-pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان.
- شالگور /šālgwar/: ← گُرک.
- شالو /šālū/: از خانواده سنگسرهاهیان، سنگسر شش خط.
- شگراب /šagrāb/: ← مینگ.
- شگشک /šegešk/: ← ناڈر.
- شنگ /šong/: (۱) از خانواده شینگ‌ماهیان، شینگ‌ماهی؛ (۲) از خانواده عروس‌ماهیان، عروس‌ماهی نواری.
- شور /šūrr/: از خانواده شورت‌ماهیان، شورت.
- شوکیاتی زرد /šawkeyāti-zard/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی بنگالی.
- شیرماهیگ /šir-māhig/: از خانواده کیجارماهیان، کیجار بزرگ.

- شیرو /sirū/: از خانواده کیجار ماهیان، کیجار منقوط.
 شی زادگ /šayzādag/: ← سیاه گوش.
 کابلوشک /kābalōšk/: (۱) از خانواده سنگسرمه‌هایان، سنگسر محطط؛ (۲) از خانواده یلی ماهیان، یلی چهارخط.
 کاتل /kātel/: از خانواده نیزه ماهیان، نیزه ماهی سیاه.
 کارنج /kārenj/: نوعی سفره ماهی بزرگ.
 کاشک /kāšok/: ← لوجر.
 کانتی پشک /kāñti-pešsek/: ← پتر.
 کانکاور /kāñkāwar/: ← داردمب.
 کایگر /kāyeger/: از خانواده تی بر ماهیان، ماهی حوض دریا.
 کایگر چک /kāyeger-čok/: از خانواده دهان لانه ماهیان، با دو گونه دهان لانه دونواری و دهان لانه خالدار.
 کپ /kapp/: از خانواده خورشید ماهیان، خورشید ماهی اقیانوسی.
 کتنگو /kotengü/: سنجاب ماهی.
 کچک /koček/: از خانواده کفشک ماهیان تیز دندان، کفشک ماهی تیز دندان.
 کد /kodd/: از خانواده کوتر ماهیان، کوتر ماهی که دارای چند نوع است.
 کد زرد دمب /kodd-zard-domb/: از خانواده کوتر ماهیان، کوتر دهان زرد.
 کد سیاه دمب /kodd-syāh-domb/: از خانواده کوتر ماهیان، کوتر ساده.
 کر /ker/: از خانواده شوریده ماهیان، میش ماهی.
 کرانبو /karrāñbaw/: دلفین.
 کرت /karañ/: از خانواده سنگسرمه‌هایان، خنوی خال سیاه.
 کرگی /karragi/: نوعی کوسه، شبیه به کوسه باله سیاه.
 کرنت /karañ/: ← بوتن.
 کروس /krōs/: به چند نوع ماهی می‌گویند: (۱) پروانه ماهی سه نواری؛ (۲) از خانواده خفاش ماهیان، خفاش ماهی؛ (۳) از خانواده فرشته ماهیان، هاماد.

- کِری کدا /kerikadā/: از خانواده شوریده‌ماهیان، بچه میس ماهی، میس ماهی منقوط.
- کِشکی /keški/: از خانواده تون‌ماهیان، هوور مسقطی.
- کِگُو /kaggū/: نوعی گربه‌ماهی.
- کلگَن /kalgon/: از خانواده تون‌ماهیان، ماهی قباد.
- کلگَن /kalgon/: از خانواده تون‌ماهیان، ماهی قباد.
- کلو /kalū/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی.
- کُلوتو /kolōṭū/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی چشم‌درشت.
- کُمپو /kompū/: از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر معمولی.
- کُن /konn/: نوعی گربه‌ماهی.
- کُنِگُو /kontegū/: از خانواده سنجاب‌ماهیان، سنجاب‌ماهی.
- کُنْتگی هَر /koṇṭagi-har/: از خانواده سه‌خارماهیان، سه‌خاره خال‌طلایی.
- کَنچَک /kančag/: از خانواده شگ‌ماهیان، ساردین کوچک.
- کُنْدرو /kondrō/: ← شور.
- کولِگَر /kölger/: از خانواده شگ‌ماهیان، گواف کوچک.
- کولِگَری /kölgeri/: نوعی کوسه‌ماهی که خوراکش بیشتر کولگر و ساردین است، به این کوسه سِدّ هم می‌گویند.
- کوه‌پروش /kōh-prōš/: ← گدگ.
- کهناتی /kahnāti/: ← وروک.
- کِیچان /kayčān/: نوعی ماهی با رنگ سیاه و سفید و دهانی کوچک که پُشتش دارای دایره‌های سیاه‌رنگ است.
- کیل /kayl/: از خانواده سوس‌ماهیان، سوس بزرگ.
- کینسی /kinssi/: نوعی ماهی کوچک و پهن با اندازه ده تا سی سانتی‌متر که در سواحل صخره‌ای ساکن است و بیشتر با قلاب صید می‌شود.
- گاچَمّ /gačamm/: چند گونه متفاوت از خانواده شگ‌ماهیان؛ (۱) شَمسک بزرگ؛ (۲) شَمسک کوچک؛ (۳) ساردین دُم‌سیاه.

- گاڈمب /gādomb/: ← گوک‌دُمب.
- گالیت /galēt/: از خانواده گالیت‌ماهیان.
- گڈک /gaḍok/: از خانواده شِهری‌ماهیان، شِهری دُم‌زرد.
- گدیر /gedir/: از خانواده شِهری‌ماهیان، ماهی شِهری خود چند نوع است: (۱) شِهری گوش قرمز؛ (۲) شِهری دراز‌صورت قهوه‌ای؛ (۳) شِهری معمولی.
- گُرک /gork/: از خانواده یَلّی‌ماهیان، یَلّی خط‌کمانی، یَلّی درشت‌پولک.
- گُرک‌مَزَن‌کوچگ /gork-mazan-kōčeg/: یَلّی درشت‌پولک.
- گَزّی‌زرد /gazzi-zard/: ← گَزّی‌کباه.
- گَزّی‌کباه /gazzi-kabāh/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی قهوه‌ای.
- گُل‌پانچ /golpānč/: ← پَنّ‌گُل‌پانچ.
- گَلَبَت /galbat/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بزرگ.
- گَلو /gallū/: از خانواده گربه‌ماهیان، گربه‌ماهی.
- گِل‌وَرُک /gelwarok/: از خانواده نوارماهیان، نوارماهی.
- گَنجی‌پَراک /ganjiperāk/: از خانواده هامورماهیان با دو گونه (۱) هامور سیاه؛ (۲) سَمَن‌آجُری.
- گوانز /gwānɯz/: از خانواده راشکوماهیان، راشکو.
- گور /gōr/: از خانواده تون‌ماهیان، شیرماهی.
- گورسیم /gōrsim/: (۱) از خانواده گیش‌ماهیان، گیش گوش‌سیاه؛ (۲) از خانواده تون‌ماهیان، طلال.
- گورگی /gwaragi/: نوعی کوسه از نوع باله‌سیاه که گوشت نرمی دارد.
- گوسو /güssü/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه چانه‌سفید.
- گیدَر /gēdar/: از خانواده تون‌ماهیان.
- گیشران /gišrān/: از خانواده گیش‌ماهیان، پروی چشم‌درشت.
- لُبّ /lobb/: نوعی ماهی که در آب‌های عمیق یا اقیانوس صید می‌شود و ظاهرش شبیه ماهی گُد است.

لرزوک /larzōk/: ← بوټن.

لُتی پتَر /loṭṭi-pattar/: از خانواده گیش ماهیان، گیش طلایی.

لوتاری /lōtāri/: از خانواده هامورماهیان با سه گونه (۱) هامور معمولی؛ (۲) هامور
مالاباری؛ (۳) هامور لکه‌زیتونی منقوط.

لوجر /lūjjar/: از خانواده شگ ماهیان، ساردین روغنی.

لوند /lōṅḍ/: نوعی ماهی کوچک.

لیجر /lijjar/: ← لوجر.

لیر /liír/: نوعی وال.

لینچک /lijčok/: از خانواده چسبک ماهیان، چسبک ماهی.

مارماهیگ /mārmāhiḡ/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی پوزه‌کند.

مُچَر /močor/: از خانواده پنجزاری ماهیان با دو گونه (۱) پنجزاری باله‌نارنجی؛ (۲) پنجزاری
خال‌پشت.

مُراکی /morāki/: از خانواده خامه‌ماهیان، خامه‌ماهی.

مُرَّان /morrān/: ← مُرَّانت.

مُرَّانت /morrānt/: از خانواده نیم‌منقار ماهیان، نیم‌منقار جهنده.

مُربَه /مُربو /morba/ morbaw/: ماهی ای پولک‌دار و کوچک که در آب‌های کم‌عمق زندگی
می‌کند، این ماهی به جای طعمه قلاب به‌کار می‌رود.

مَزَن‌چَم /mazan-čamm/: از خانواده گیش ماهیان، پروی چشم‌درشت.

مَس /mas/: ماهی مرگب.

مُشک /mošk/: از خانواده گربه‌کوسه‌ماهیان با سه گونه (۱) گربه‌کوسه عربی؛ (۲) گربه‌کوسه
لکه‌دار؛ (۳) از خانواده کوسه‌ماهیان عمقی، کوسه گورخری.

مُشکو /moškū/: از خانواده شوریده‌ماهیان، ماهی شوریده.

مُنَدی /moṅḍi/: ← مینگ.

میش /mēs/: کوسه بُتر که گونه بالغ آن را میش می‌گویند.

مینگ /ming/: نوعی ماهی پولک‌دار که به آن شگراب، مُندی و بها هم می‌گویند.

مئو /ma?ā/: ← مَس.

نات /nāt/: ← بارکش.

ناڈز /nādozz/: از خانواده شائک ماهیان با دو گونه (۱) شائک زردباله؛ (۲) کوپَر.

نامبو /nāmbū/: از خانواده هامور ماهیان با دو گونه (۱) هامور خال نارنجی؛ (۲) هامور مالاباری.

نَرمانی /narmāni/: از خانواده کوسه ماهیان، کوسه ببری.

زروک /warōk/: نوعی کوسه که باله‌های آن گران‌قیمت است. به این کوسه کهناتی و بچن هم می‌گویند.

هام /hām/: نوعی کوسه ماهی بزرگ.

هَر /har/: چند نوع ماهی از چند خانواده مختلف: (۱) از خانواده تک خار ماهیان، تک شاخ ماهی خاکستری؛ (۲) از خانواده زروک ماهیان، زروک؛ (۳) از خانواده سه خار ماهیان، سه خار خال‌طلایی؛ (۴) از خانواده بادکنک ماهیان چهاردندانی، بادکنک ماهی صاف؛ (۵) از خانواده سه خار ماهیان، سه خار پوزه کوتاه.

هَراد /harrād/: نوعی کوسه که زرد و دراز و شبیه به ارمنگرا است.

هَرَبَد /har-baḡd/: از خانواده گیش ماهیان، نوعی ماهی گیش که خط‌هایی به صورت عمودی بر بدن دارد.

هَرگور /hargōr/: نوعی ماهی شبیه به گور که در آب‌های عمیق زندگی کند.

هَلَبَک /halabok/: از خانواده تون ماهیان، بچه زرده.

هَلَس /holos/: از خانواده تون ماهیان، زرده.

هَلور /halōr/: ← الور.

هِنُو /hennū/: از خانواده سنگسرمایان با دو گونه (۱) خنوی خاکستری؛ (۲) خنوی زردباله.

هیرو /hirū/: از خانواده سرخو ماهیان، سرخوی حَرا.

منابع و کتابنامه

- اسدی، هدایت و دهقانی پشتروودی، رضا، ۱۳۷۵، *اطلس ماهیان خلیج فارس و دریای عمان*، تهران.
سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۳، *سفرنامه ژنرال سرپرستی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران.
ستاری، مسعود و همکاران، ۱۳۸۳، *ماهی‌شناسی*، ۲ ج، رشت.
صادقی، سیدناصر، ۱۳۸۰، *ویژگی‌های زیستی و ریخت‌شناسی ماهیان جنوب ایران*، تهران.

